

است و ما باید به‌طوری جدی به آن بپردازیم. چرا که گردشگری در حوزه‌های مختلف از جمله امنیت ملی ورود کرده و از حساسیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل مدیریت میراث فرهنگی در همه دنیا به‌طور جدی به موضوع گردشگری می‌پردازد. رویکرد پایگاه‌های میراث فرهنگی در ایران هم از همین منظر در یک دهه اخیر توجه ویژه‌ای به موضوع گردشگری داشته است.

درخصوص جوامع در حال تغییر و موضوع آینده میراث فرهنگی باید تأکید کنم که این موضوع ابعاد گسترده‌ای دارد و بخشی از آن طبیعتاً از ابعاد امنیتی برخوردار است، چرا که بخش مهمی از امنیت ملی و امنیت جوامع باورمندی افراد آن جامعه است که رشته‌های هم‌پیوندی را میان خود برقرار کنند. در ایران که از اقوام و قومیت‌های مختلف شکل گرفته است بتواند موضوعی پیدا شود که همه این اقوام را زیر یک پرچم گرد هم بیاورد، بی‌شک این مهم بر عهده میراث فرهنگی است که در طول تاریخ اتفاق افتاده و در طول تاریخ موفق به ایجاد هم‌پیوندی میان اقوام و گروه‌های مختلف در کشور شده است. شما وقتی که از مجموعه میراث جهانی پارسه یا همان تخت جمشید صحبت می‌کنید فارغ از تفاوت‌های قومی و جنسی و دینی همه ایرانیان زیر یک پرچم در جهت حفاظت آن گرد هم می‌آیند. میراث فرهنگی حتی به موضوع کالبدی ختم نمی‌شود و موضوع زبان که یک میراث ناملموس تلقی می‌شود، ابعاد ناپیوندی را از حوزه جغرافیایی ما هم گسترده‌تر کرده و در حوزه فرمانطقه‌ای پیش می‌برد؛ بنابراین این امر نقش مهمی در تثبیت شرایط پرتلاطم پی در پی جامعه دارد. این موضوعات درباره میراث‌هایی مانند شاهنامه و دیگر عناصر تاریخی و فرهنگی ما مثال‌زدنی است که به واسطه زبان مشترک میان ما و کشورهای دوست و همسایه مانند تاجیکستان و افغانستان حلقه وصل ایجاد کرده و در نهایت امنیت ملی و منطقه‌ای را در پی خواهد داشت. توجه به میراث فرهنگی در ابعاد مهم هویتی می‌تواند به افزایش حس تعلق افراد به جامعه کمک کرده و نتایج بسیار مهمی را برای آینده کشور به ارمغان بیاورد. چرا که این احساس تعلق منجر به پویایی اقتصاد و پیشرفت اجتماعی و فرهنگی و حتی بهداشتی آن منطقه شده و مشارکت آنها در ارتقای مدیریت مورد توجه قرار خواهد گرفت.

شرایط میراث فرهنگی در ایران طی چند دهه گذشته به لحاظ سابقه آماری ارتقا پیدا کرده که نیاز است از سوی مسئولین مورد توجه قرار بگیرند و نسبت به تخریب آثار تاریخی حساسیت بیشتری از خود نشان دهند.

با توجه به چالش‌های مدرن مانند شهرنشینی و توسعه زیرساخت‌ها، چگونه پایگاه‌های میراث فرهنگی می‌توانند بین حفاظت از آثار تاریخی و نیازهای توسعه‌ای تعادل ایجاد کنند؟

برخی از این سایت‌های تاریخی به دلیل شرایط متفاوت زندگی معاصر از بدنه ساکنین طبقه بالاتر فاصله گرفته و در درون این محدوده‌های تاریخی بدنه با تحصیلات بالا خالی شده و با توجه به مهاجرت‌هایی که از این بافت‌های تاریخی به بافت‌های معاصر اتفاق می‌افتد و بخش مهم طبقه تحصیل کرده و متخصص از این محدوده‌های تاریخی کوچ کردند در تمام دنیا اتفاق افتاده و در ایران نیز آسیب جدی به پویایی و پایداری این محدوده‌ها زده است. بنابراین از این بابت پایگاه‌ها با موضوع چالشی روبه‌رو هستند و مجبور هستند با آن بدنه جامعه محلی در تعامل و گفت‌وگو بیشتری بنشینند تا بتوانند با افزایش میراثی این جامعه محلی که مالکان اصلی این محدوده‌ها هستند، به تقویت حفاظت میراث فرهنگی برسند.

چگونه می‌توان از ظرفیت پایگاه‌های میراث فرهنگی برای ترویج ارزش‌های زیست‌محیطی و آموزش پایداری به بازدیدکنندگان استفاده کرد؟

موضوع گردشگری در محدوده‌های تاریخی و سایر پایگاه‌های میراث فرهنگی در این راستا یک موضوع بسیار حیاتی است و در کنار ابعاد فنی حفاظت موضوع مدیریت هم از جنبه مدیریت بحران، مدیریت جامعه محلی و مدیریت گردشگری در پایگاه‌های میراث فرهنگی یکی از وظایف اصلی این پایگاه‌ها تلقی می‌شود.

از دهه ۷۰ میلادی موضوع گردشگری در دنیا خیلی جدی‌تر در بخش جهانی مورد توجه قرار گرفت و بخش مهم اشتغال‌زایی کشورها متأثر از همین موضوع گردشگری شده است. بنابراین مدیریت میراث فرهنگی در همه کشورها به‌طور ویژه به موضوع گردشگری می‌پردازد که یکی از وظایف آنها این است که چگونه مدیریت مقصد در پایگاه‌های میراث فرهنگی بتواند به گونه‌ای رقم بزنند که هم پایداری اثر حفظ شود و هم رضایتمندی جامعه بازدیدکننده فراهم و در ادامه اصالت‌های اثر مورد پاسداری قرار گیرد. در دهه ۷۰ میلادی یک منشور گردشگری میراث فرهنگی از سوی «ایکوموس» که یک شورای بین‌المللی در حوزه حفاظت و پایداری میراث فرهنگی و یکی از ارکان وابسته به یونسکو است که نقش مهمی در تبیین سیاست‌های میراث فرهنگی در جهان دارد منتشر شده است، این شورا منشور می‌گوید که گردشگری یک واقعیت غیرقابل بازگشت

خود استقلال پایگاه‌های مدیریتی را به‌طور کامل دچار خلل کرد. از سویی هم مشکلاتی از سوی عملیات مستقل برای این پایگاه‌ها به وجود آمد و به این واسطه آنها در چارت‌های مصوب اداری تعریف نشده و این مسائل باعث شد تا یک دوگانگی در مواجهه با راهبردهای مدیریت پایگاه‌های میراث فرهنگی در کشور مواجهه شود. البته در دولت جدید چند نکته اساسی اتفاق افتاد و تعریف ساختار اداری پایگاه‌ها در اداره استخدای کشور به رسمیت شناخته شد و در حال حاضر نزدیک به هزار پست استخدای برای آنها تعریف شده است که نویدبخش چشم‌انداز روشنی برای آینده بهتر پایگاه‌ها است. نیاز است یادآوری کنم که به همت وزیر محترم و معاون میراث فرهنگی کشور و عزیزان ما در معاونت توسعه مدیریتی این اتفاق به خوبی رقم خورده است. چرا که در طی چند دهه گذشته شرایط وضعیت دریافت حقوق کارمندان و نیز استخدام آنها در شرایط بدی به سر برده است. این در حالی است که طی این سال‌ها اتفاقات پژوهشی خیلی خوبی برای آنها رقم خورده است. بنابراین مشکلات این حوزه در دولت جدید تا حدود زیادی رفع شده است و حداقل‌های ساختار حقوق برای کارکنان رقم خورده است. هر چند نیاز تا ارتقا بهتر و بیشتری پیدا کند. نکته دوم هم در واقع پست‌های استخدای است که این روزها در شرایط بهتری به‌سر می‌برند. درخصوص نسبت پایگاه‌های میراث فرهنگی و جوامع محلی نیاز است تا گریزی به تعریف خود پایگاه میراث فرهنگی بزنیم. همانطور که می‌دانید پایگاه‌های میراث فرهنگی از یک ساختار اداری مقیم در محل اثر برخوردار است به جای اینکه مدیریت یک اثر از راه دور و از سمت مراکز استانها و یا مراکز کشور شکل بگیرد در سیستم پایگاه‌های میراث فرهنگی یک سری متخصص در محل تعریف می‌شوند چرا که بهترین روش برای جلب مشارکت محلی و به کارگیری و ظرفیت‌های بومی برای ارتقا موضوعات حفاظت و پایداری یک اثر این است که شما بتوانید در جامعه محلی و در یک گفت‌وگوی دوسویه قرار بگیرید و به جای اینکه از یک رفتار بالا به پایین ابلاغ ضوابط شود، بهتر است که در یک شرایط برابر گفت‌وگویی قرار بگیرید و اصطلاحاً در یک پژوهش و در یک رفتار زمینه‌ای با آنها به گفت‌وگو بنشینیم. ایده اصلی پایگاه‌های میراث فرهنگی از ابتدا همین بوده است که بتوانند با بدنه جامعه محلی و مالکان اولیه اثر ارتباط مستقیم برقرار کنند. به همین دلیل تلاش بر این است که پایگاه‌های میراث فرهنگی فارغ از آموزش مدیریت و پرسنل اقدام به استقرار یک سری متخصص، در محل‌های مورد نیاز کنند.